زبان و ادب فارسی
(نشریهٔ سابق دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز)
سال ۶۹ ، پاییز و زمستان ۹۵ ، شمارهٔ مسلسل ۲۳۴

بررسی مؤلفه‌های طنز در شعر فرانو با تأکید بر اشعار اکبر اکسیر*

علی صفایی**
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان (نویسندهٔ مسئول)

باهره پاسخی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

چکیده

اکبر اکسیر شاعر طنزپرداز مبدع و منتقد آذری زبان آستارایی، در زمره ادب دوستان و شعرسرایانی است که شعری بدون وزن و قافیه را با عنوان *فرانو* که شاخه ای از شعر نو است، با درنظر گرفتن دو عامل مسلط بر جهان حاضر یعنی سرعت و فن آوری، به بازار ادبیات معرفی می کند تا بتواند ادبیات غنی فارسی را به جنبشی نو واداشته، مخاطب جوان امروز را به دوستی مجدد با این ادبیات کهنسال دعوت نماید. او در این میان از مؤثرترین و نافذترین نوع ادبی یعنی طنز بهره می گیرد. طنز که همواره بهترین وسیله انتقادی اصلاح طلبانه بوده، ماهیت اصلی شعر اکسیر را نیز تشکیل می دهد. اکسیر برای خلق طنز در شعر فرانو که ایجاز ویژگی بارز این شعر است، ضمن گزینش هوشمندانه واژگان ساده از صنایع بدیع معنوی و لفظی همچون ایهام، مراعات نظیر و جناس و ... و سازوکارهای بیانی مانند نقیضه، غافلگیری، هنجارگریزی و ... به طور نامحسوس و غیرتحمیلی استفاده می کند که گاهی طنز اشعار منتج از تلفیق چند شگرد با هم است. هدف از این پژوهش معرفی شعر فرانو و ذکر ویژگیهای آن و بررسی شگردها و تکنیک های طنزساز در اشعار اکسیر به عنوان یکی از برجسته ترین نمایندگان این شعر است. نتیجه آنکه اکسیر ضمن نوآوری در استفاده از شگردهای طنزآفرین، عمدتاً از طنز کلامی و طنز موقعیت در آفرینش آثار شعری خود بهره جسته است. ضمناً این مقاله به *روش توصیفی- تحلیلی* تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: اکسیر، شعر فرانو، طنز، شگردهای طنزساز

* تاریخ وصول: ۹۵/۶/۱۹ تأیید نهایی: ۹۶/۷/۵

** E-mail: safayi.ali@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

۱- مقــدمه

۱-۱- طنــز

طنز، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین ژانرهای ادبی است که از دیرباز تاکنون به عنوان ابزاری جهت انتقاد غیرمستقیم و اصلاح‌طلبانه برای تغییر شرایط نامساعد حاکم مورد استفاده قرار گرفته است. از پیشگامان طنز در میان گذشتگان به عبید زاکانی و در ادبیات معاصر می‌توان به دهخدا اشاره کرد. در میان انواع مطایبه، طنز بیش از دیگر موارد توانسته مخاطبان و طرفداران بیشتری را به خود جذب نماید؛ زیرا حدّت و غرض ورزی هجو، رکاکت و وحاقت هزل و سبکی فکاهه را ندارد. اگرچه خاصیّت همگی آنها به طور مشترک ایجاد خنده است، اما هدف غایی طنز، خندهٔ صرف نیست. بلکه وسیله ایست برای طرح ناهنجاریها و رذالتهایی که در بطن جامعه وجود دارد. «خنده ای که در طنز وجود دارد، خنده ای زودگذر و توأم با تفکر و تأمل است. تأمّلی که خنده را به تبسمی تلخ و زهرآگین بدل می کند.» (شیری، ۱۳۷۷: ۲۰۰) احساس حاصل از خنده در طنز با لذت همراه نیست، ما می خندیم چون آنچه ما را به خنده وا داشته در ما نوعی رعب و اعجاب ایجاد کرده است. برخی از محققان طنز را به نوعی از ابزار یا داروی درمانی مانند کرده اند: «در مقام تشبیه می توان گفت که قلم طنزنویس کارد جرّاحی است. نه چاقوی آدمکشی. با همه تیزی و برندگیش، جانکاه، موذی و کشنده نیست بلکه آرامش بخش و سلامت آور است.» (آرین پور، ۱۳۸۲: ج ۲: ۳۶). طنز زمانی جلوه نمایی می کند که وضعیت حاکم مغایر هنجارها و ارزش ها بوده، طنزپرداز برای ابراز احساس انزجار خود در جستجوی دستاویزی مؤثر و قدرتمند است. اما این مهم زمانی دست می دهد که طنز وی فاخر بوده، یعنی با رویکردی انتقادی، هدفمند، جذاب وکمال گرا عمل کند. «به باور سعدی، طنز آمیختن داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت است.» (غضنفری، ۱۳۸۸: ۱۱۶) خاستگاه غریزی طنز را اعتراض دانسته اند، اعتراضی که به تعبیر الکساندر پوپ به هنر تبدیل شده است. جایگاه پرورش این اعتراض هنری، ادبیات است که با اسلوب و اصول و فروع خود به جلوه گری آن یاری می رساند. زیرا دانش و هنر ادبیات در میان دیگر علوم و فنون، گویاترین، هنرمندترین و کهنسال ترین وسیله برای بیان احساسات و عواطف و آلام بشری است. «از نظر ادبی، طنز شیوه بیان مطالب انتقادی و نفرت بار همراه با خنده و شوخی است. برخی طنز را با علم بدیع در ارتباط می دانند. زیرا نویسنده طنز با بهره گیری از فن بلاغت و سخنوری فضایی را ترسیم می کند که نه فقط خواننده را سرگرم بلکه الگویی از اعمال و سکنات اشخاص جامعه هم به دست می دهد.» (حری، ۱۳۸۷: ۳۵) و با این ویژگی، ماهیتی بیدارکننده و تذکردهنده می یابد و خنده و تفریح کسب شده از آن با تعلیم همراه می گردد. «در طنز با اینکه رویه سخن به ظاهر مزاح آمیز و غیرجدی است، در آخر به تعقل، تنبیه و سیاست می انجامد. از این روست که می توان طنز را در ادب فارسی در قلمرو ادب تعلیمی به حساب آورد.» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۵۷)

Arhive of SID

www.SID.ir

۱-۲- اکبر اکسیر و فرانــو

اکبر اکسیر منتقد و شاعر طنزپرداز آذری زبان گیلانی در سال ۱۳۳۲ در بندر مرزی آستارا متولد شد. وی پس از بازنشستگی از آموزش و پرورش به کار نقد شعر و طراحی و گرافیک و سرودن شعر طنز می پردازد. او در سال ۱۳۸۲ با معرفی شعر فرانو در مجموعهٔ شعری "بفرمایید بنشینید صندلی عزیز!" شیوه ای نوین را برای آشتی مخاطب شعرگریز امروز با شعر ارائه نمود و بدین ترتیب نخستین آلبوم شعر فرانو به عرصهٔ ادبیات پا نهاد. خود اکسیر در توصیف فرانو گفته است: «فرانو سبک نیست، نامی است بر نوعی از شعر امروز. ادامه اصیل شعر نیمایی و فارغ از فیس و افاده های شعرهای کارگاهی. فرانو بومی ترین شعر ایران است که ملی عمل می کند و جهانی می اندیشد! چون شعری بی نقاب و بی دروغ است.» (اکسیر، ۱۳۸۵: ۴۶)

دومین اثر فرانویی اکسیر به نام "زنبورهای عسل دیابت گرفته اند!" (منتشر شده در سال ۱۳۸۴) علاوه بر اینکه به عنوان کتاب سال طنز برگزیده حوزه هنری معرفی شد، منتخب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و کتاب برگزیده روزنامه های کشور نیز گردید. آثار دیگر اکسیر با مقوله شعر فرانو عبارتند از: "پسته لال سکوت دندان شکن است!" (منتشر شده در سال ۱۳۸۷)، "ملخ های حاصلخیز" و "مالاریا" (به ترتیب انتشار یافته در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰).

فرانو شاخه ای از شعر نو است که فارغ از وزن و قافیه بوده، شگردهای ادبی و صنایع بلاغی به شکل تحمیلی در آن راه ندارد. ضمن اینکه چاشنی طنز جزء جدا ناشدنی آن است. سراینده با درنظر گرفتن شرایط امروز دنیا که سرعت و فن آوری، دو سکان دار بزرگ اداره امور هستند، از ایجاز یعنی «با حداقل الفاظ، حداکثر معنی را بیان کردن» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۶۵) به نحوی مطلوب بهره گرفته است. تا آنجا که اشعارش توسط سریع ترین وسیله انتقال رسانه ای امروز یعنی پیامک حتی بدون درنظرگرفتن نام خالق شعر در اذهان ساری و جاری می گردد. اکسیر دریافته است که مخاطب امروز، از پرگویی و تکرار گریزان است و به دلیل تنوع طلب بودن، ژرف گری و شکیبایی لازم را در مطالعه ادبی خود ندارد. بنابراین اکسیر برای انتقاد و بیان مقصود خود، معضلات جامعه امروز و بحران فردای آن را با پوشش طنزی هوشمندانه و زبانی ساده که قابل فهم دو مخاطب عام و خاص است ارائه می دهد. باید خاطر نشان گردد که اساس کار اکبر اکسیر در طرح شعر فرانو این سخن آدونیس است:«شعر به یک معنا عبارت است از واداشتن زبان به گفتن چیزهایی که عادت به گفتن آنها ندارد.»(اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۱۶)

۱-۳- پیشینه و فرضیه تحقیق

تاکنون درباره مؤلفه های طنزساز اشعار اکبر اکسیر (پدر شعر فرانو) تحقیق و پژوهش جامعی صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی بر این است که علاوه بر بررسی مؤلفه های عمده طنز به این پرسش ها پاسخ داده شود:

Archive of SID

www.SID.ir

۱- با توجه به متنوع بودن شگردها و سازوکارهای طنزساز، محوری ترین آرایه های بدیعی در شعر اکسیر کدامند ؟

۲- تنوع استفاده از عوامل طنزآفرین در پنج اثر اکسیر به چه میزان است؟

۳- تا چه حد استفاده از سادگی بیان و زبان محاوره در ایجاد طنز اشعار اکسیر و جذابیت آنها برای مخاطب عام و خاص مؤثر بوده است؟

در این مقاله در پی آن هستیم که ضمن بر شمردن بارزترین ویژگی های شعر فرانو که خالق آن در پایان کتاب "بفرمایید بنشینید صندلی عزیز" در بیست شماره مطرح نموده است و مقایسه اجمالی آن با مکتب ادبی فوتوریسم، عوامل ایجاد طنز در اشعار اکسیر را از دو نقطه نظر طنز کلامی که شامل آرایه های ادبی از قبیل ایهام، مراعات نظیر، تلمیح، جناس و ... و نیز طنز موقعیت که شامل مکانیزم هایی همچون نقیضه، هنجارگریزی، تشبیه به حیوانات و ... است بررسی نماییم. همچنین به بررسی تلفیق چند صنعت و تکنیک با هم که موجب ایجاد طنز در برخی از اشعار شده اند پرداخته ایم. در این پژوهش که به شیوه توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته به شکل موردی، به ذکر شگردها و تکنیک های طنزآفرین اشعار همراه با یک یا چند شاهد مثال پرداخته شده، سپس نام و نشانی سایر اشعار وی با داشتن صنعت و تکنیک مشترک در مجموع پنج کتاب اکسیر به جهت اطلاع بیشتر ذکر گردید.

۲- ویژگیهای شعر فرانو

فرانو نام پیشنهادی شعر در دهه هشتاد و نیز نام آینده شعر معاصر است که مبدع آن اکبر اکسیر شاعر طنزپرداز و منتقد آستارایی، آن را شاخه وحشی شعر نیمایی خوانده است: «فرانو وحشی ترین شاخه شعر نیمایی ست و برخلاف شعر سپید، شعر نخبگان نیست. فرانو شعر پاپتی هاست. بی هیچ ترتیبی و آدابی هرچه می خواهد دل تنگت بگو!» (اکسیر، ۱۳۸۵: ۴۶)

شاعر فرانو در معرفی این شعر، ویژگیهای بیست گانه ای را در نخستین مجموعه شعریش یعنی "بفرمایید بنشینید صندلی عزیز" درج نموده است که از میان آنها، عصاره های مفید و گلچین شده بدین شرح هستند:

- **ایجـاز:** اساسی ترین و بارزترین مشخصه شعر فرانو ایجاز است که اکسیر، از این امر با عنوان "اعجاز ایجاز" نام برده است که در شماره نخست از ویژگی های بیست گانه این نکته را گنجانده: «یک لوح فشرده است بین دو نیم کره خواب و بیداری و زاییده اعجاز ایجاز است: با پرگویی و متری نویسی در عصر دیجیتال مخالف است!» (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

- **بهره گیری آزادانه و ماهرانه از تمهیدات لفظی و معنوی:** پس از بررسی اشعار به این نتیجه می رسیم که ایهام و مراعات نظیر جزء اساسی ترین شگردهای به کار رفته در اغلب اشعار هستند. این در حالی است که در اشعارش از مکانیزم های دیگر زبانی نیز در پیوند با صنایع لفظی و معنوی بهره قابل توجهی برده است و این صنایع ادبی به طرزی طبیعی و درخور موضوع در کالبد شعر جاگرفته

Arhive of SID

www.SID.ir

است. «جرجانی نیز فنون ادبی را در صورتی عامل زیبایی می شمارد که بدون قصد و به شکل طبیعی و به اقتضای معنی ظاهر شود.» (پورنامداریان- طهرانی، ۱۳۹۰: ۳۰)

– **طنز:** عنصر وجودی و درون مایه فرانو طنز است. درخصوص طنز شعر فرانو می توان گفت که ترکیبی از جد و طنز است. پیام کلام، جدی است که پوششی از طنز سنجیده دارد. طنزی معتقد و وفادار به ارزشها که پرده از زشتی ها و پلشتی ها برمی دارد. ویرانگر و هادی است. بیان شیرین و مفهومی تلخ داشته، زیرپوستی و نیش دار است و پردازنده آن تا حد ممکن از خود وام گرفته و خود را هدف تیر انتقاد قرار می دهد.

– **سادگی زبان:** زبان شعر فرانو روان است و از واژگان ساده و ترکیبات محاوره ای و عامیانه تشکیل یافته است. کلماتی که نیاز به فرهنگ لغت ندارد امّا این کلمات ساده در ساختار شعر چنان خوش نشسته که اکسیر از آن تحت عنوان مهندسی کلمات یاد می کند. سادگی زبان اشعار اکسیر همیشه دلیلی بر عیانی مفهوم آنها نبوده، بلکه به اشعار او حالتی دوبعدی می دهد. گاه برخی از اشعار اکسیر سربسته، رمز وار و معماگونه و گاه پوست کنده و هویداست. سادگی در عین صراحت توأم با استتار مفهوم.

– **قابلیّت پاسخگویی به مخاطب عام و خاص:** یکی از پتانسیل های شعر اکسیر چند لایه ای بودن آن است. ظاهر آن قابل درک و پذیرش و خوشگوار برای مخاطب عام و بطن آن تفکرانگیز و دردآور برای مخاطب خاص است. از جمله گفته شده: «لایه ای که کودکان با چشم غیرمسلّح آن را می بینند و غرق بازی می شوند... لایه دوم لایه ای است که پیران اکابر خوانده، آن را می بینند و می خندند... لایه سوم لایه ای است که فقط خردمندان با چشم مسلّح به دانش و هوش فراوانشان توفیق درک و رؤیت آن را دارند و این لایه، لایه ای است تلخ، شور، گزنده و اشک آور.» (شفیقی، ۱۳۸۴: ۲۶) همین امر موجب گردیده که کتابهایش به چاپهای مجدد برسد. «دستاورد بزرگ اکبر اکسیر پس از انتشار این چند آلبوم ارتباط عمیق با مخاطب و فروش خوب کتاب هایش است. این پرمخاطب بودن البته موجب نشده است که شاعر مانند مؤلف های عامه پسند، سرسری بنویسد. طنز اکسیر سهل و ممتنع است و همین باعث شده که مخاطب عام و خاص، هریک با دلایل عام و خاص خودشان جذب آثار او شوند.» (ترکمن، ۱۳۹۱: ۶۲)

– **اعجاب آفرینی:** از جمله عواملی که جذابیت شعر را دوچندان می کند، غافلگیری است. خواننده در شعر فرانو متعجب است. ضربه زدن و اعجاب انگیزی یا در آغاز شعر رخ می دهد یا در پایان آن. شماره ۱۲ از ویژگیهای بیست گانه. (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

– **پرهیز از عاشقانه سرودن و سیاسی گفتن:** مخاطب امروز سخن گفتن از چشم و ابرو و کمند معشوق خیالی که اکسیر از وی به عنوان ضمیر دوم شخص مؤنث مفلوک نام می برد (اکسیر، ۱۳۸۵: ۴۶) و نیز شعارهای حزبی را نمی پذیرد. به قول وی: «شاعر امروز باید بداند که با ستایش از چشم و

Arhive of SID

www.SID.ir

ابروی موجودات خیالی و شعارهای پوشالی و عقده های اپیکوری نمی توان جهانی شد.» (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۱۰)

– **سوژه مداری و مضمون پردازی:** بسیاری از موضوعات ملموس و روزمره محتوای اصلی اشعار اکسیر را فراهم می سازد. اموری که مسائل دنیای روز، صنعت، تکنولوژی و پیامدهای ناشی از آنها را دربر می گیرد. این ویژگی شعر فرانو آن را تا حد زیادی با مکتب ادبی فوتوریسم قابل مقایسه ساخته است. فیلیپو توماسو مارینتی بنیانگذار این مکتب ادبی در معرفی آن ابراز داشته که: «کلمات آزاد، همزمانی احساس و بیان و ویرانی عمدی و حساب شده شعر عروضی و قواعد نحوی و نقطه گذاری و رسوم سنّتی چاپ.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۶۶۱) مکتب فوتوریسم بر مبنای زندگی صنعتی امروز تدوین شده است. استفاده از کلمات غیر شاعرانه و شکستن قواعد دستور زبان را می پسندد. از دیگر چهره های فوتوریسم ولادیمیر مایاکوفسکی شاعر شهیر روسی است که معتقد است: «کلمه نباید تشریح کند، بلکه به خودی خود بیان کند. کلمه عطر خود را و رنگ خود را و روح خود را دارد. باری ضرباهنگ زندگی عوض شده است. همه چیز سرعت برق آسایی گرفته است.» (همان: ۶۶۹) این ویژگیها تا حد قابل ملاحظه ای از شعر فرانو قابل دریافت است.

– **عنوان:** عنوان شعر در فرانو به منزله کلید ورودی است که گاه در متن شعر آورده نمی شود، اما نقش هدایت کنندگی مخاطب و بازگشایی فضای معماگونه شعر را برعهده دارد. عنوان حکم سرنخی را دارد که به مخاطب مسیر می دهد و پیام شعری را منتقل می کند. اخوّت از قول گرایس چنین گفته است: «عنوان باید اطلاع دهنده، صحیح، مربوط و ملحض باشد و بتواند حس کنجکاوی خواننده را برانگیزد. در واقع عنوان انتظاراتی را در خواننده بر می انگیزد و خواننده متن را در راستای همین انتظار می خواند.» (اخوّت، ۱۳۷۱: ۲۱)

از دیدگاه اکسیر مخاطب امروز نیازمند گونه ای از شعر است که شعار از ماهیّت آن زدوده شده، عملگرا و هادی باشد. براساس ویژگیهای برشمرده، این استدلال دست می دهد که شعر اکسیر با وجود نوآیین بودن دوام پذیر است و در هر وضعی می تواند به حیات طنّاز و معترض خود ادامه دهد.

۳- شگردهای معنوی و لفظی طنزساز

طنز برخی از اشعار اکسیر منتج شده از شگردهای متنوع بدیعی است که عمده ترین آنها به شرح زیر هستند:

۳-۱- ایهـام

از آنجا که ایهام پربسامدترین آرایه معنوی بدیعی در خلق طنز اشعار اکسیر است به طرزی متنوع در اشعار وی حضور یافته است. ایهام طبق گفته کزّازی «پندارخیزترین و هنریترین آرایه درونی است که سخنور واژه ای آنچنان نغز در سروده خود به کار ببرد که بتوان از آن دو معنای دور و نزدیک را

Arhive of SID

www.SID.ir

دریافت» (کزّازی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). امّا نکته قابل تعمّق و توجّه در بررسی ایهام اشعار اکسیر، عدم استفاده از موارد ایهام ساز جا افتاده و معروف در اشعار کلاسیک است. مانند: «حکایت لب شیرین کلام فرهاد است... که کلمه شیرین به دو معنی مزه شیرین و نام معشوقه خسرو و فرهاد است» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

کلمات مستفاد اکسیر برای ایهام، واژگانی ساده برای خلق ایهامِ جدید است.

- **ملاقاتی**

گل را سر خاک پدر / کمپوت را به عیادت مادر / سیگار را برای برادر دیوانه ات ببر/
اگر دوشنبه دیگر هم آمدی / برای من سوهان بیاور /
وکیل می گفت: آن گزلیک / برایم ابد بریده است! (اکسیر (الف)، ۱۳۸۷: ۵۰).

ایهام در واژه سوهان با معنای نزدیک، یکی از انواع شیرینی های سنتی و معنای دور وسیله برش فلز (زنجیر و دستبند محکومین) که معنی مورد نظر شاعر بوده است، موجد طنز شعر است. انتخاب هوشمندانه این واژه و ایجاد مراعات نظیر با واژگان گل، کمپوت و سیگار در محور عمودی شعر که همگی از لوازم معمول ملاقات است و در نگاه اول به گمراهی مخاطب انجامیده، به طنز شعر افزونی بخشیده است. ضمن اینکه هنجارگریزی گویشی در واژه (گزلیک) به معنای چاقو که پرده از معمای شعر برداشته موجب تحکیم هر چه بیشتر فضای طنزی شعر شده است. علاوه بر این واژه "سوهان" با معنی دورش یعنی **بریدن** نیز ایهام تناسب داشته که به انسجام و زیبایی کلام اضافه نموده است. نمونه ای دیگر:

- **تمارض**

حلاج از سربازی به سرداری رسید/ من هنوز/ در مطب های بالای شهر/
دنبال معافیت پزشکی هستم! (اکسیر، ۱۳۸۹: ۶۲)

محور ایهام در واژه **سربازی** با دو معنای سرباختن و خدمت سربازی، نیز در واژه **سرداری** با دو مفهوم بر سر دار شدن حلاج و درجه نظامی، طنز موجز و حایز اهمیتی را رقم زده است. ضمن اینکه شاعر با تلمیح به داستان بردار شدن حلاج در راه حقیقت، تمارض و امتناع جوان امروز را در امر سربازی برای اخذ معافیت پزشکی به سخره می گیرد.

ایهام در اشعار دیگری طنزآفرینی کرده است که عناوین آنها عبارتند از: **به شرط چاقو** ص ۴۶ کتاب "بفرمایید بنشینید..."، **در پادگان** و **خبر پزشکی** به ترتیب صص ۷ و ۵۱ کتاب "زنبورهای عسل..." و شعر **اثبات** ص ۱۲ کتاب "مالاریا".

Arhive of SID

www.SID.ir

۳-۱-۱- ایهام تبادر

از دیگر انواع ایهام، ایهام تبادر یعنی «واژه یی از کلام، واژه دیگری را که با آن (تقریباً) همشکل و همصداست به ذهن متبادر می کند» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۳۳) موجد طنز برخی از اشعار اکسیر شده است.

▪ گمشــده

مادر عاشق طلا بود / جشن تولد، دستبند خواست / پدر به زندان رفت /
روز مادر، زنجیر خواست / پدر به تیمارستان رفت / سالگرد ازدواج، سرویس خواست/
پدر سوار شد و رفت! (اکسیر (ج)، ۱۳۸۷: ۸۰)

شاعر به واسطه ایهام تبادر، تصویری طنزآلود اما تلخ رقم زده است. دستبند(از زیورآلات) با توجّه به واژه زندان در بند بعدی شعر، دستبند مجرمین را به ذهن متبادرمی کند. زنجیر(از دیگر زیورآلات) با وجود واژه تیمارستان به زنجیر کشیدن مجانین را به ذهن تداعی می کند و سرویس با در نظر گرفتن جمله «سوار شد و رفت» متبادرکننده مفهوم سرویس رفت و آمد است. ضمن اینکه با توجه به نام شعر یعنی"گمشده" کل شعر می تواند مؤید این مفهوم طنزآلود باشد که گمشده مادر هر چیزی جز پدر بوده که مفقود گشته است! نیز مراعات نظیر بین واژه های طلا، دستبند، زنجیر و سرویس در محور عمودی شعر، طنز آن را فزونی بخشیده است. همچنین طنز در شعر ذیل با عنوان **"ترسو"** بر پایه ایهام تبادر است.

... بچه که بودم از دو چیز می ترسیدم: حمام و آمپول/ امیرکبیر برای اصلاح به حمام می رفت/
شاعران برای هواخوری به باغ دکتر احمدی/ یک روز دماغ امیر را گرفتند فین کرد/
و دکتر احمدی افتاد... (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۵۶)

ایهام تبادر در ترکیب هواخوری ضمن تناسب با واژه باغ، تداعی کننده ماجرای تزریق آمپول هوا به مخالفان رضاخان توسط دکتر احمدی است و باز ایهام تبادر در واژه فین ضمن تناسب با دماغ، قتل امیرکبیر در حمام فین را یادآوری می کند.

علاوه برنمونه های فوق در اشعار **تیروئید، تابلوها** صص ۹ و ۶۶ از "کتاب زنبورهای عسل..." ایهام تبادر طنزآفرینی می کند.

۳-۱-۲- ایهام چندمعنایی

شاخه ای دیگر از ایهام که در شعر اکسیر موجد طنز شده، ایهام چندمعنایی است. «ایهام چندمعنایی که می توان آن را ایهام توازی یا به صورت مطلق "چندمعنایی" نیز نامید این است که سخن، پذیرای دو یا چند معنی باشد، به گونه ای که با هریک از آن معانی، سخن درست و "یصح السکوت علیه" به شمار آید.» (راستگو، ۱۳۷۹: ۱۵)

Arhive of SID

www.SID.ir

▪ **حــراج**

رفته بودم ایران باستان / با سرباز اشکانی دست بدهم دست نداد
به سرباز هخامنشی سر سلامتی بدهم سر جایش نبود/چه غلغله ای!
سربازان سر می بازند/ دلالان سر و دست می شکنند / یک نفر این وسط تکلیف مرا مشخص کند/ من نگران سرها باشم / یا نگران سنگ ها؟! (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۷۵)

در شعر فوق ایهام با تکیه بر سه معنا موجد طنز شعر می شود. طنز شعر که مفهوم جدال با قاچاق آثار باستانی کشور را می رساند با تکیه بر ایهام چند معنایی حاصل گشته است. بند "سر و دست می شکنند"، بر سه مفهوم دلالت دارد:

الف) مفهوم کنایه ای شور و هیجان داشتن دلالان، ب) شکسته شدن سر و دست مجسّمه های عهد باستان، ج) شکسته شدن سر و دست سربازان میهن در حین درگیری با سوداگران آثار باستانی.

همچنین ایران باستان هم، ایهامی دارد به تداعی دوره باستان ایران و میراث فرهنگی به جا مانده از آن و هم نام موزه ای در تهران که در آن آثار باستانی دوره هخامنشی نیز نگهداری می شود. تکرار واژگان سر و دست و همچنین جناس در سرباز و سر می بازند نیز منجر به تقویت فضای طنز شده است. بنابراین طنز شعر فوق حاصل در هم تنیده شدن ایهام چند معنایی با چند صنعت دیگر بدیعی است.

۳-۲- تلمیــح

تلمیح نیز به طرزی چشمگیر در اشعار اکسیر عامل اصلی ایجاد طنز بوده است «تلمیح اشاره به داستانی در کلام است و دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۱۲) و «سخنور به یاری آن می تواند دریایی از اندیشه ها را در کوزه ای تنگ از واژگان فرو ریزد.» (کزّازی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). تلمیح علاوه بر اینکه در اشعاری چون **نوشدارو** و **سوءسابقه** که در ذیل آورده شده اند موجد طنز گردیده است، در اشعاری با عناوین **دیازپام**، **بهشت زهرا**، **تبریک** و **چالدران** از"کتاب زنبورهای عسل..."مندرج در صفحات ۱۱، ۲۸، ۳۷، ۴۱ نیز عامل اصلی ایجاد طنز به شمار می آید.

▪ **نوشــدارو**

خدا برای ابراهیم /گوسفندی فرستاد / اسماعیل زنده ماند/
کاش برای رستم هم گورخری می فرستاد / (یا اینکه سهراب خریت نمی کرد /
و کارت شناسایی اش را / زودتر رو می کرد!) (اکسیر، ۱۳۸۹: ۵۲)

شاعر برای بیان تأسف طنزآلود خود نسبت به تراژدی رستم و سهراب که با تلمیح ارائه کرده است، به داستان نزول گوسفند از جانب خداوند که مانع از قربانی شدن حضرت اسماعیل توسط پدرش حضرت ابراهیم شد، اشاره می کند. علاوه بر این اصطلاح عامیانه **خریت نمی کرد** فضای طنزی شعر را

Arhive of SID

www.SID.ir

مضاعف کرده است. البته شاعر ضمن استفاده از عنصر تلمیح، برای افزونی طنز از ایجاد تقابل بین گورخر مفروض و خریت سهراب استفاده کرده تا طنز را تقویت کند. به عبارت دیگر شاعر از ظرفیت معنایی و نیز امکان بازی زبانی کلمه **خریت** به معنی نادانی و گورخر به معنی حیوانی که شایستگی قربانی شدن را دارد، استفاده کرده تا کلامی طنزآمیز بسازد.

■ **سوء سابقه**

اوایل خلقت / پدربزرگ / یک بار اشتباه کرد /
مسجد محل /هنوز هم به ما / تأییدیه نمی دهد! (همان: ۲۵)

شاعر با تلمیح به داستان هبوط آدم از بهشت با بیانی طنز و در اوج ایجاز، یکی از مضامین رایج در اشعار سنّتی را به شیوه ای کاملاً متفاوت و نوین بازگویه می کند. مثلاً حافظ چنین گفته است: من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آرود درین دیر خراب آبادم (حافظ، ۱۳۷۷: ۲۴۵)

این هر دو شعر از حافظ و اکسیر، خطای حضرت آدم را نکوهش می کند که پیامد آن متوجه فرزندان آدم شده است. براین اساس، این هر دو شاعر در موارد گوناگون، زاهدان یا زاهد نمایانی را که از انسان انتظار پاکی مطلق و عدم لغزش دارند، به زبان طنز به انتقاد گرفته اند.

۳-۳- مراعات نظیــر

«مراعات نظیر یا تناسب های واژگانی از موتیوهای رایج در ادبیّات هر ملّتی است. صرف وجود تناسب ها البته هیچ خنده ای دربرندارد، امّا اگر تناسب ها توأم با مفهوم کنایی و ضمنی و یا همراه با آشنایی زدایی و همسویی ناسازها باشد اغلب در حوزه فکاهیات قرار می گیرند.» (شیری، ۱۳۷۴: ۲۰۹). نکته حائز اهمّیّت در بررسی طنز حاصل از مراعات نظیر در اشعار اکسیر، به کارگیری این صنعت با کنار هم قرار دادن واژگانی است که در دنیای امروز و برای مخاطب جوان قابلیّت جذب بیشتری دارند. و گرچه با هم تناسب معنایی دارند امّا این تناسب به قول کزّازی دارای «دودمان و زمینه معنایی همچون نام های گلها، پرندگان، اختران، جنگ ابزارها» (کزّازی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) و تناسب های متعارف و مألوف نیست.

■ **انقضاء**

از تاریخ تولیدم /۴۹ سال گذشته است / شعر که دیر می کند / شامم دیر می شود /
خودخوری می کنم / مسموم می شوم /نمی دانم چه کسی /
تاریخ انقضای مرا پاک کرده است! (اکسیر (الف)، ۱۳۸۷: ۴۹)

مراعات نظیر بین تاریخ تولید، خودخوری، مسموم، تاریخ انقضاء برای بیان مقصود شاعر، موجب طنز شده است. همچنین ایهام در اصطلاح خودخوری که هم به معنی مصرف خودسرانه دارو و هم به معنای غصه خوردن است، به فضای مطایبه آمیز شعر افزونی بخشیده است. مراعات نظیر و ادغام آن با ایهام در شعر زیر جهت انتقاد از متقلّبین، به ساخت طنز شعر مدد رسانده است:

Arhive of SID

www.SID.ir

■ **نسبیت**

تا یادم می آید، علّاف بود / جو می خرید، گندم می فروخت / او همیشه می گفت: /
من، در تهران سه کیلوست / در اردبیل، چهار کیلو / در تبریز، شش کیلو/
به «من» اعتماد نکنید! (اکسیر(ج)، ۱۳۸۷: ۷۶)

مراعات نظیر بین واژه های علّاف، جو، گندم، من (واحد وزن) و کیلو به اضافه ایهام در واژه علّاف با دو معنای نزدیک و دور: گندم و جو فروش و عاطل و بیکار و نیز ایهام در بند آخر شعر **[به من اعتماد نکنید]**، (من) در دو مفهوم واحد وزن و ضمیر اول شخص مفرد، طنز شعر را مبتنی بر بی صداقتی فروشنده و نامیزان بودن ترازو پرداخته کرده است. همچنین ضرب المثل گندم نمای جو فروش را برای تحکیم طنز در این موضوع باید در نظر داشت.

از دیگر اشعاری که در آنها مراعات نظیر عامل اصلی طنز گردیده است می توان اشعار **حواس پنجگانه، آ، شخص ثالث** از کتاب "ملخ های حاصلخیز" درج شده در صفحات ۱۷، ۴۲ و ۴۹ و شعر **سهام عدالت** ص ۲۶، **ایثار** ص ۴۳ و **سکانس**ص ۶۷ کتاب "مالاریا" را نام برد.

۳-۴- کنــایه

در تعریف کنایه آمده است «ذکر مطلبی و دریافت مطلب دیگر» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۷۵). بنابراین می تواند یکی از مؤلّفه های ایجاد طنز قرار گیرد. «از آنجا که شرایط حاکم بر جامعه و قوانین موجود، اجازه بیان آزاد هر مطلبی را به طنزپرداز نمی دهد و بعضی مواقع نیز خود طنزنویس از بیان صریح مطلبی تن می زند، کنایه بهترین صنعتی است که می توان از آن در بیان مقصود به صورت پوشیده و پنهان سود جست.» (حسام پور، دهقانیان، خاوری، ۱۳۹۰: ۸۴)

وجود کنایه نیز در برخی از اشعار اکسیر منجر به طنز ظریفی شده است و با توجه به سبک بیانی اکسیر که سابق بر این گفته شد، کنایه های طنزآفرین در اشعارش از جمله کنایه های ساده و جاری در زبان مردم است.

■ **اعترافــات**

از دو کلمه بی زارم: / عشق و سیاست/ مادر به عشق رسید، کور شد/ پدر به صندلی رسید، لال شد/
یک روز صندلی را از زیر پاش پراندند/ زبان درآورد/
و مادر پر فروش ترین کتاب سال شد! (اکسیر (الف)، ۱۳۸۷: ۷۵)

طنز شعر محصول اتحاد سه کنایه بدیهی و ساده: کور شدن، لال شدن و زبان درآوردن است. بدین ترتیب که کور شد مبتنی بر مثل معروف عاشق کور است. لال شد با توجه به بند «پدر به صندلی رسید» و واژه «سیاست»، به معنای سکوت اختیار کردن و اخفای حقایق به محض دستیابی به مقام است. «زبان درآورد» با عنایت به بند قبلیش یعنی «صندلی را از زیر پایش پراندند» و عنوان شعر یعنی

Arhive of SID

www.SID.ir

«اعترافات»، به معنای افشا کردن اسرار و شکستن سکوت پس از برکناری از مقام است که باز ایهام در همین بند با دو معنای عزل از سمت و پراندن صندلی حین اعدام به طنز شعر کمک رسانیده است. همچنین از **زبان درآورد** می توان ایهام چند معنایی دریافت کرد: ۱- اعتراف کردن، ۲- بیرون آمدن زبان شخص معدوم، ۳- معنای شیطنت آمیز شکلک درآوردن با زبان. نیز جناس تام در «مادر»: مادر شاعر و کتاب "مادر" اثر ماکسیم گورکی شایان ذکر است.

از دیگر کنایاتی که اکسیر برای ایجاد طنز اشعارش بهره جسته است عبارتند از: *پاپوش دوختن* در شعر **پاپوش** و *چشمم آب نمی خورد* در شعر **دیمی** در صص ۲۷ و ۸۰ کتاب "بفرمایید بنشینید..." *همه را به یک چشم دیدن* و *پا توی یک کفش کردن* در شعر **معادله** ص ۶۳، *آب از آب تکان نخوردن* در شعر **نکته** ص ۵۶ از کتاب "پسته لال..." و کنایات *کشکمان را بسابیم* در شعر **منطق** ص ۶۱ و *خط و نشان کشیدن* در شعر **مرتضی** ممیز ص ۷۷ کتاب "زنبورهای عسل..." و *گوش بدهکار کسی نبودن* در شعر **سورپرایز** ص ۴۰ و *بوی شیر دادن دهان* و *بوی شنبلیله دادن سر* در شعر **قرمه سبزی** ص ۴۷ کتاب "ملخ های حاصلخیز".

۳-۵- قلب مطلب

قلب مطلب که تعریف آن عبارت است از «تکرار معکوس واژگان مصراع اول بعینه یا با مختصر تغییری در مصراع دوم» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۱۶) زمانی می تواند طنزساز گردد که مفهوم حاصل از جا به جایی واژه ها تا حدی در تضاد معنی قبلی و غافلگیرانه بوده، منجر به خنده گردد.

■ **مدیریت**

اداره ی ما/ دو جور کارمند دارد/ یکی کار می کند پول می گیرد/ یکی پول می گیرد، کار می کند./
اداره ما مهم نیست / اداره ی این ها سخت است! (اکسیر، ۱۳۹۰: ۳۰)

شاعر با قلب مطلب در بند «یکی کار می کند پول می گیرد» طنز شعر را که بیانگر رشوه (یکی از مفاسد محیط شغلی) است، با تکیه بر سادگی بیان و ایجاز فراهم ساخته است. مضاف بر اینکه جناس تام در واژه **اداره** با معانی مدیریت کردن و محل کار موجب قوّت بخشیدن به طنز شعر شده است. و یا در شعر «**یا هو**» با چنین محتوایی:

هی گفتند: پدر مادرها!/ مراقب بچه ها باشید/ اینترنت چیز بدی است/ ماهواره خطر دارد/
... / گوش ندادیم که ندادیم/ کاش مراقب پدر مادرها بودیم! (اکسیر، ۱۳۹۰: ۵۹) که قلب مطلب در مراقبت از پدر مادرها به جای بچه ها موجد طنز شده است که انتقادی از مضرات اینترنت است.

عناوین اشعار دیگری که قلب مطلب در آنها عامل طنز شعر است: **دکترای ادبیات** و تعارف صص ۷و ۱۰ از کتاب "بفرمایید بنشینید..." **شومینه** ص ۲۹ کتاب "زنبورهای عسل..." و نیز **دیالوگ، پدرخوانده** از کتاب "مالاریا" به ترتیب در صفحات ۱۹و ۷۲ .

Arhive of SID

www.SID.ir

۳-۶- جنــاس

«جناس نیز که یک بازی لفظی است با تمامی انواع و اقسام رایج آن گاهی می تواند وسیله ای برای طنزپردازی باشد. البته هنگامی که قصد سازنده آن خنده انگیزی باشد.» (شیری، ۱۳۷۷: ۲۰۷) جناس با ابهام پیوندی تنگاتنگ دارد. زیرا یکی از معانی ابهام نیز دو یا چند معنا داشتن است. «در مطایبه نشانه ابهام زدایی مخاطب، لبخندی است که وی بر لب می آورد.» (اخوّت، ۱۳۷۱: ۱۳۵) بهره گیری اکسیر از جناس به خصوص جناس تام که «هنریترین گونه این آرایه شمرده می تواند شد» (کزّازی، ۱۳۸۹: ۴۸) تنها به منظور زیبا ساختن کلام نیست، بلکه با برگزیدن هوشمندانه کلمات، درد یا معضلی را در قاب طنز به نمایش می گذارد. مثلاً در شعر **کله پاچه** مذکور در ذیل، شاعر با استفاده از جناس تام در واژه شیشه با دو مفهوم شیشه و دیگری یکی از خطرناک ترین مواد افیونی، اعتیاد را در قالب طنز جاگذاری کرده است. ضمن اینکه قلب مطلب نیز در پردازش طنز شعر مؤثر بوده است.

▪ **کله پــاچه**

دیروز، روی پا می رقصیدند / امروز، روی کله می رقصند/

دیروز، بچه ها شیشه را می شکستند/ امروز، «شیشه» بچه ها را می شکنند... (اکسیر، ۱۳۸۹: ۳۸)

اهرم طنزساز جناس در اشعار دیگری همچون **همدردی** ص ۶۷ از کتاب "بفرمایید بنشینید..."، **عصر الکترونیک** و **نمونه** صص ۳۲ و ۳۳ از کتاب "پسته لال..." و **صرفه جویی** ص ۸۱ از کتاب "زنبورهای عسل..." و شعر **آکرولیک** ص ۱۶ از کتاب "ملخ های..." و اشعار: **اشتباه چاپی، کمیسیون** و **خط** صفحات ۳۱، ۵۰ و ۶۳ کتاب "مالاریا" ایفای نقش می کند.

افزون بر این، اگرچه در موارد فوق، جناس تام عامل اصلی خلق طنز شعر است، اما همراهی شگردهای لفظی و معنوی دیگری با جناس در برخی از اشعار دیگر نیز مؤید این امر می باشند. به عنوان مثال در شعر **هیدروفیل** که در ادامه آورده خواهد شد و مضمون آن سهل انگاری سردبیر مورد نظر شاعر است، تلفیق جناس تام و زاید در گوش، گوشی و گوش به ترتیب در معناهای عضو شنوایی، گوشی تلفن و گوشه زمین فوتبال، طنزساز بوده است. همچنین شاعر از تلمیح به داستان زندگی ونسان ونگوگ (نقاش هلندی) که یک گوش خود را بریده بود (رک: استون، ۱۳۸۰: ۴۴۴) و بتهوون آهنگساز ناشنوا و انتخاب عنوان هیدروفیل (پنبه) که مفهوم کنایی پنبه در گوش داشتن سردبیر را دربردارد برای فضاسازی بیشتر طنز شعر بهره گرفته است.

▪ **هیدروفیــل**

ون گوگ، یک گوش کم داشت / اما می شنید/ بتهوون، هر دو گوش را داشت/ اما نمی شنید /

- گوشی خدمتتون!/ راستی مهدوی کیا، گوش چپ بود یا راست؟/ای کاش،/ سردبیر... ون گوگ بود!(اکسیر(ج)، ۱۳۸۷: ۱۵)

Arhive of SID

www.SID.ir

۳-۷- پارادوکس (اجتماع نقیضین)

استفاده از اتّحاد دو امر ضد در ادبیات، سابقه ای کهن داشته است. به عنوان مثال حافظ جمعیت خاطر را در پریشانی می جست.

«در خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» (حافظ، ۱۳۷۷: ۲۴۷)

«پارادوکس جمله ای خبری است که در ظاهر خود را نقض می کند، اما در پس معنای ظاهری، حقیقتی برتر را نمایان می کند» (اصلانی، ۱۳۸۷: ۵۵) که با توجه به ماهیّت اصلی پارادوکس یعنی دربرداشتن تضاد، یکی از مؤلفه های مهم طنز شمرده می شود. «تألیف تناقضات هستی در متن، علاوه بر اینکه بخشی از ابهامات ذات بشر را نشان می دهد، اعجاب خواننده و در پی آن، لذت و انفعال نفسانی او را نیز به دنبال خواهد داشت.» (طاهری، ۱۳۸۲: ۱۱۳) بنابراین طنزپرداز از سازش اضداد به عنوان یکی از ابزارهای زبانی طنز بهره گرفته و از تلفیق این امور متضاد و متنافر، زیبایی هنری ایجاد می کند. طنز برخی از اشعار اکسیر از این مقوله مستثنی نبوده است.

▪ **استعمال**

تصویر ریه های آلوده / روی بسته سیگار/ رعشه بر اندامم می اندازد/ از فرط ناراحتی /
سیگاری آتش می زنم/ و در مورد مضرات آن / شعری می نویسم! (اکسیر، ۱۳۹۰: ۱۷)

اکسیر در شعر فوق با ایجاد فضای پارادوکسیکالی قوی، بدین صورت که ضمن اطلاع از عوارض غیر قابل جبران سیگار و نیز شواهد موجود، از شرّ آن به خود سیگار پناه می برد، طنزی موجز و محکم فراهم ساخته است. طنز حاصل از پارادوکس در شعر "حمایت" نیز با این محتوا درک می شود: ... من به دادخواهی گاوهای جهان آمده ام/ قصاب مهربانی هستم/ جنب سفارت هند/ گوشت گوساله موجود است! (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۵۴)

صفات مهربان برای قصاب و دادخواه بودن او برای گاو، امری پارادوکسی است. وجود گوشت گوساله جنب سفارت هند که این حیوان برای قشری از مردم آن کشور مقدس است، مفهوم متناقض طنزآمیزی ساخته است. پارادوکس همچنین در اشعار **خزر در** c.c.u از کتاب "بفرمایید بنشینید..." ص ۸۶، **لی لی پوت و تکامل** صص۲۵و۵۷ از کتاب "پسته لال..." و **شبکه ها، اَبَر مرد** و **مدرنیته** از کتاب "زنبورهای عسل" مندرج در صفحات ۲۰، ۶۳ و ۷۳، شعر **پذیرش** ص ۲۹ از کتاب "ملخ های..." و نیز شعر **همیاری** ص ۱۰ کتاب "مالاریا" به عنوان عامل طنز شعر جلوه نمایی می کند.

Arhive of SID

www.SID.ir

۴- طنز موقعیت

گذشته از صنایع و شگردهای بدیعی یاد شده، طنز برخی از اشعار اکسیر حاصل مکانیزم هایی چون: نقضیه، غافلگیری، تشبیه به حیوانات، هنجارگریزی و ... است که از آن تحت عنوان طنز موقعیت نام برده می شود. در این نوع طنز، طنزپرداز بازی با لفظ را کنار نهاده و با اتکا به مفهوم و ایجاد جنبش و اغتشاش در نرم عادی کلام، فضای متن را مطایبه آمیز می نماید. «منظور از طنز موقعیت، طنزهایی است که در آنها، نویسنده با استفاده از از جابه جایی شخصیت ها و قراردادنشان در شرایط و موقعیت نامتناسب زمانی و مکانی یا تغییر جایگاه آنها، دست به خلق فضایی طنزآمیز می زند. در این نوع طنز ستیز و رویارویی پیش آمده، ایجاد طنز می کند و این اتفاق، فارغ از عبارات و واژگان می افتد.» (شریف پور، قیصری، ۱۳۹۰ و ۹۱: ۲۱۴)

۴-۱- نقیضه

«به عنوان اصطلاح ادبی به تقلید اغراق آمیز و مضحک از یک اثر ادبی مشخص اطلاق می شود.» (اصلانی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) جوادی در کتاب خود "تاریخ طنز در ادبیات فارسی" نقیضه را تقلید یا نظیره طنزآمیز خوانده، آن را یکی از فنون عمده طنز دانسته، می نویسد: «به گفته یک منتقد آمریکایی، فرق بین تقلید یا نظیره طنزآمیز تفاوت بین نقاشی پرتره و کاریکاتور است. هر دو شبیه مدل اصلی هستند، ولی هدف یکی ترسیم عمده ترین و بارزترین خصوصیات شخص است و حال آنکه دیگری، هر قدر ظریفانه هم باشد، می خواهد آن را عوض کند، کوچک کند و شخص را ناراحت سازد.» (جوادی، ۱۳۸۴: ۲۹)

از آنجا که انواع شگردها و مکانیزمهای طنزآفرینی، مورد استفاده اکسیر بوده است، نقیضه هم به سهم خود در پردازش طنز اشعار اکسیر نقش دارد، نظیره های ساخته شده اشعار اکسیر با بافت شکنی انواع کلام اعم از شعر، نثر و ضرب المثل حادث گشته است. «نظیره نویسی نشان دهنده آشنایی عمیق نویسنده با آثار ادبی، چه از نوع ادبیات کلاسیک و چه از نوع ادبیات معاصر است.» (غضنفری، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

نقیضه به شعر ⇐ تلفنگرام

لطفاً از قول من به حافظ بگویید/ آن چه را او در پیاله می دید/
شاعران گرسنه امروز در بشقاب می بینند! ... (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۳۰)

طنز شعر فوق از نقیضه به این بیت حافظ حاصل شده است:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم ای بیخبر ز لذّت شرب مدام ما (حافظ، ۱۳۷۷: ۱۶)

بعلاوه نقش ایهام را در کنار نقیضه برای طنز شعر، نباید از نظر دور داشت: ایهام در واژه بشقاب که با همجواری واژه گرسنه مفید معنای ظرف غذاخوری و معنای دیگر آن بشقاب ماهواره است و شاعر با این شعر تعریضی به شاعران ابتذال گرا دارد.

Arhive of SID

www.SID.ir

نقیضه به نثر ⇐ ■ آنتی هموروئید

«... عمو صادق راست می گفت: / در زندگی زخم هایی است که آدم روش نمیشه/
- جاشو نشون بده حتی به پزشک متخصص...» (اکسیر(ج)، ۱۳۸۷: ۷۵)

که تغییری است در جمله نخستین کتاب **بوف کور** صادق هدایت: «در زندگی زخم هایی است که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می خورد و می تراشد. این دردها را نمی شود به کسی اظهار کرد...» (هدایت، بی تا: ۱) نیز هنجارگریزی سبکی «گریز از لایه اصلی شعر که گونه نوشتاری معیار است و استفاده از واژگان یا ساخته های نحوی گفتار» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۴۴۵) در **روش نمیشه جاشو نشون بده** به جای رویش نمی شود جایش را نشان دهد در مزید کردن طنز شعر دخیل بوده است.

نقضیه به ضرب المثل ⇐ که در شعر **کلاغ شویی** صفحه ۵۹ از کتاب "ملخ های..." با آوردن *بالاتر از کلاغ رنگی نیست* به جای بالاتر از سیاهی رنگی نیست، مخاطب را غافلگیر کرده و به خنده وا می دارد.

طنز منتج از نقیضه را می توان در اشعار دیگری نیز یافت که بدین قرارند: **منوچهر آتشی** ص ۲۸ کتاب "پسته لال..." که با نقیضه به شعر "گل و تفنگ و سراب" این شاعر، طنز تلخ خلق نموده، **میدان فردوسی** ص ۱۶ کتاب "زنبورهای عسل..." که نقیضه ای برای شخصیت های شاهنامه است و از کتاب "ملخ های..." شعر **بیات ترک** ص ۵۶ که با نقیضه به مصرعی از حافظ توأم با هنجارگریزی واژگانی طنز آلود شده است و شعر **هیچ** ص ۷۱ کتاب "مالاریا" که با نقیضه به یکی از گفته های دکارت - فیلسوف و ریاضی دان فرانسوی- طنز پردازی نموده است.

۴-۲- غافلگیری

غافلگیری نیز در پیوند با برخی از شگردهای زبانی و مکانیزمهای مطایبه، از جمله عوامل سازنده طنز موقعیت محسوب می‌گردد. غافلگیری زمانی رخ می‌دهد که مخاطب از مسیر یکنواخت و پیش‌بینی شده کلام به طور غیرمنتظره و ناگهانی خارج شود. درباره چگونگی رویداد غافلگیری در طنز گفته‌اند: «ذهن انسان مثل یک ماشین تطبیق دهنده عمل می‌کند. رفتارها و الگوهای مختلف را می‌سنجد و با قرار دادن آنها در الگوهای آشنا و از پیش تعیین شده، طبقه‌بندیشان می‌کند. اما بعضی وقت ها این الگوی آشنا از هم می‌گسلد و عنصری جایگزین آن می‌شود که برای مغز غیرمنتظره است. در واقع، در قالبهای پیشین نمی‌گنجد، اینجاست که آدمی به خنده می‌افتد.» (طالبیان- جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۸)

■ پـداگوژی

بهزیستی نوشته بود:/ شیر مادر، مهر مادر، جانشین ندارد/ شیر مادر نخورده، مهر مادر پرداخت شد/ پدر یک گاو خرید/ و من بزرگ شدم/ اما، هیچ کس حقیقت مرا نشناخت/ جز معلم عزیز ریاضی ام/ که همیشه می گفت:/گوساله بتمرگ!! (اکسیر(ج)، ۱۳۸۷: ۲۷)

Arhive of SID

www.SID.ir

در شعر فوق با توجه به عنوان آن (پداگوژی) به معنی تعلیم و تربیت، غافلگیری ضمن ترکیب با سازوکار تشبیه به حیوان، ضربه طنزآلود شعر را که انتقادی از وضعیت آموزش و پرورش در زمان تحصیل شاعر بوده، وارد نموده است.

همچنین در شعر «**ملک الشعرا**» که در ذیل آورده شده، غافلگیری در بند پایانی شعر به طرزی غافلگیرانه طنز شعر را برجسته ساخته است. ضمن اینکه تلمیح و تضاد هم به این امر مدد رسانده است. ایهام نیز در *بهار آزادی* با دو مفهوم آزادی همچو بهار (اضافه تشبیهی) و سکّه بهار آزادی سهم خود را در تقویت طنز شعر ادا کرده است.

آبراهام سفید، بردگان سیاه را آزاد کرد/ ماندلای سیاه، اربابان سفید را / شاعران اما، تمام رنگ ها را/
من نه آبراهام نه ماندلا/ می خواهم شاعر صلح باشم/ ستایشگر آزادی/ من عمری در آرزوی بهار آزادی ام/
- طرح جدید هم پذیرفته می شود!- (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۷۲)

از دیگر اشعاری که غافلگیری در آنها دستمایه ی طنز قرار گرفته است، عبارتند از:

1889 ص ۴۲ کتاب "زنبورهای عسل..."، **استیضاح، کمک های اولیه، تداعی، نجابت، شارژ** به ترتیب در صفحه های ۳۱، ۴۱، ۴۵، ۶۸ و ۸۰ از کتاب های "ملخ های حاصلخیز" و اشعار **بوق آزاد** ص ۲۷، **شانس** ص ۴۸ و **مقلب القلوب** ص۶۴ از کتاب "مالاریا".

۴-۳- هنجارگریزی (خلاف آمد)

خلاف آمد (آشنایی زدایی) که «گویند موجب رستاخیز کلمات است» (داد، ۱۳۸۳: ۴) شیوه ای خاص در ارائه مطلب است که در آن گوینده در کلام خود، نکته ای، مطلبی و مضمونی را برخلاف شیوه ای که در ذهن مرسوم و معمود است بیاورد و آن چیزی است که با تعبیری که از نظر عرفی، منطقی و مذهبی و ... پذیرفته شده، مغایرت داشته باشد. محقّقان زبان و ادب فارسی برای هنجارگریزی انواعی قائل شده اند که از میان آنها مواردی که در طنز اشعار اکسیر مؤثرند تعاریفی بدین شرح دارند: «هنجارگریزی واژگانی: که شاعر برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه در زبان هنجار، واژه ای تازه بسازد و به کار برد. هنجارگریزی نوشتاری: که شاعر در نوشتار شعر، شیوه ای را به کار ببرد که تغییری در تلفظ واژه به وجود نمی آورد ولی این شکل نوشتن، مفهومی ثانوی به مفهوم اصلی واژه می افزاید و هنجارگریزی گویشی، که شاعر ساختهایی را از گویشی غیر از زبان هنجار وار شعر می کند.» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۴۴۵)

هنجارگریزی واژگانی بیشتر در برخی از عناوین اشعار اکسیر دیده می شود که عبارتند از: **فغانستان، تاریخ طبری، پوست مدرن، سفالکسین، اینترناش** و **سیمرغ پرکنده**.

از جمله اشعاری که این نوع از هنجارگریزی در متن آنها موجب طنز گردیده است:

Arrive of SID

www.SID.ir

در کتاب "بفرمایید بنشینید..." شعر **پارادوکس** ص ۱۵، اشعار **در ترمینال آزادی** و **اعتراف** و **بهاءالدین خرّمشاهی** صص ۲۳ و ۶۹ و ۷۸ از کتاب "زنبورهای عسل..." و شعر **مبارک** ص ۵۳ کتاب "مالاریا".

هنجارگریزی نوشتاری در شعر «**چک کارمندی**» :

بنا به عادت ماهانه/ قسط ها را دادیم .../ بعد نشستیم چهار نفری/ زیر سایه ی یک برج/
اقساط برج نیـامده را
دانـه
دانـه
چک کردیم! (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۵۹)
دانه
دانه

شکستن نُرم نوشتاری در که شکل طبقات یک برج را تداعی می کند، قابل توجه است. به علاوه، جناس تام در برج که علاوه بر معنای ساختمان، مفهوم ماههای سال را می رساند و نیز چک با دو معنای چک کارمندی و بررسی کردن، طنز شعر را قوی تر کرده است.

هنجارگریزی گویشی که علاوه بر شعر **ناپلئون** با مضمون زیر:

اسب بود/ قیقـاج رفت و فیل شد / می خواست یک قهرمان بشود /گربه عطسه کرد!... (اکسیر(ج)، ۱۳۸۷: ۲۴) که - قیقاج در زبان آذری به معنی اریپ و کج است- موجب طنز گشته است، در اشعار **زرشک پلو**، **عاجل** و **دیالوگ** مندرج در صفحات ۴۰، ۶۰ و ۶۲ از کتاب "مالاریا" نیز به وسیله واژگان و ترکیبات عربی از قبیل: "اهلاً و سهلاً "، "یسقط" و "ارحل" اسباب طنز این اشعار را فراهم نموده است.

۴-۴- تشبیه به حیوانات

از دیگر سازوکارهای طنزساز در اشعار اکسیر که تکیه بر خود تخریبی دارد و به طور عمده شاعر خود را هدف آماج تیرهای نیش و کنایه در طنز اشعارش قرار می دهد، تشبیه به حیوانات است و در این میان تشبیه به گاو از بالاترین میزان برخوردار است. «از روزگار بسیار قدیم، افسانه سرایان و داستان پردازان اغلب یا شاید همه کشورها برای بیان مقاصد خود از جهان جانوران سود جسته اند. یک علت آن این بوده است که گفتار صریح و بدگویی یا ریشخند مستقیم بزرگان و ... خود را کاری ناممکن می دیده اند. علت دوم این بوده است که با تشبیه کردن قربانیان خود به حیوانات، آنها را از آسمان رفعت و شأن خیالی خودشان فرو می کشیدند.» (حلبی، ۱۳۷۷: ۶۳-۶۴) تحلیل کریچلی در این مورد چنین است: «طنز از طریق نوسان در مرز میان حیطه های انسانیت و حیوانیت، معنای انسان بودن را کشف می کند.» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۴۲) اکسیر در شعر ذیل ضمن اینکه با تشبیه خود به گاو طنزپردازی کرده است، با استفاده از هنجارگریزی واژگانی در عنوان شعر یعنی شاخدار شکنی که

Arhive of SID

www.SID.ir

تغییری در واژه ساختارشکنی ایجاد نموده، تعبیر جدید خنده داری برای گاو که به صورت همه جانبه مورد بهره برداری قرار گرفته، ساخته است.

▪ شاخــدار شکنی

همه گاوها، گوساله به دنیا می آیند / من گوساله، گاو به دنیا آمدم / شیرم را دوشیدند / شاخم را شکستند / از دباغخانه که برگشتم عزیز شدم / حالا نشسته ام پشت ویترین گالری کفش/ سایز ۳۷ / درست اندازه پای ملیحـه! (اکسیر، ۱۳۸۹: ۴۳)

▪ قلعه حیوانات

در کوچه، گوسفندم/ در مدرسه، طوطی/ در اداره، گـاو/ به خانه که می رسم سگ می شوم/ چوپانی از برنامه کوک داد می زند:/ گرگ آمـد! گرگ آمـد!/ و من کنار بخـاری/ شعر تازه ام را پارس می کنم! (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۲۴)

در شعر فوق، شاعر علاوه بر تشبیه خود به انواع حیوانات، به این معنی طنزآلود اشاره دارد که ما آدمها به خصوص آقایان در بیرون خانه مطیع و فرمانبردار بوده، اما در درون خانه و نسبت به همسر و فرزندان خود مستبد و سخت گیر هستیم.

مضاف بر مثال های فوق شاعر ترفند تشبیه به حیوانات را در اشعار دیگری هم به کار برده است که شامل اشعار زیر است: در شعر **غزل گاو** ص ۲۲ کتاب "بفرمایید بنشینید..."، خود را به گاو و در شعر **لک لک ها** ص ۵۴ کتاب مذکور خود و برخی از شاعران موردنظرش را به لک لک تشبیه کرده است. در کتاب "پسته لال..." در شعر **ترابری** ص ۲۶ با تشبیه خود به اسب، در شعر **راز بقا** ص ۴۰ با تشبیه افراد سودجو و کلاهبردار به کانگورو و در شعر **بازگشت به خویش** ص ۷۶ با تشبیه اطرافیان نادرست و جاهل به گاو و تشبیه خود به چهارپا به طنزآفرینی پرداخته است. در شعر **ماتادورها** ص ۸۲ کتاب "ملخ های..." دوباره از تشبیه خود به گاو برای ایجاد طنز و همچنین در شعر **بربط** ص ۷۸ آن، برای بیان مقصود خود از تشبیه به اردک استفاده کرده است. در شعر **اقرار** ص ۳۷ کتاب "مالاریا" اطرافیانش را که مانع از تعالی یافتن وی هستند، به گوساله مانند کرده است، ضمن اینکه در ایجاد طنز این شعر از تلمیح به مصائب دوران پیغمبری حضرت موسی هم کمک گرفته است و در شعر **آناتومی** ص ۶۷ از همین کتاب، خود را به سگ مانند نموده است تا با حربه خودزنی و ضربه به خویش طنزی انتقادی به تنگی خُلق برخی از پدرها را شکل دهد.

۴-۵- ترکیبات محــاوره ای

با وجود اینکه زبان اشعار اکبر اکسیر ساده، دور از تکلّف و آمیختگی با واژگان مهجور و غامض است و طنزپردازی شعرش نیز با واژگان بدیهی و براساس کشف ارتباط پنهان میان آنها صورت می گیرد، اما گاهی اوقات وی پا را از این محدوده فراتر نهاده، از ترکیبات عامیانه و محاوره ای و یا به تعبیری زبان

Arhive of SID

www.SID.ir

کوچه بازاری نیز استفاده می کند. جمالزاده می گوید: «بزرگان ما در تعریف بلاغت فرموده اند: سخن بلیغ آنست که عوام بفهمند و خواص ببینند و حتی می توان ادعا نمود که کلمات عوامانه در کلام الله مجید آمده است. آنجایی که می فرماید: «ولا تقل لهما اف». در حق سقراط حکیم نوشته اند که به استعمال الفاظ عوامانه علاقه مخصوص داشت و بلندترین آراء و افکار را به زبان مردم کوچه بازار بیان می نمود.» (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۸) اصطلاحات عامیانه وقتی در تار و پود شعر جای می گیرند، از ظاهر عامیانه خود خارج شده، به پشتوانه فرهنگی می رسند. همچنین در مخاطب حسن لذت را ایجاد می کنند. «به قول کنت شافتسبری که این امر را عرف عام یا همان خوش مشربی یا روحیه اجتماعی خوانده، می نویسد: اوج روحیه اجتماعی، صمیمی و اهل ارتباط بودن است.»(کریچلی، ۱۳۸۴: ۹۸)

- **ادارات**

مثل روزنامه ها، **اول همه را سرکار می گذارند/** بعد آگهی استخدام می زنند/ ...

یکی فرم پر می کند، یکی احکام می خواند/ یکی به سرعت پیر می شود/

و آن یکی مدام نق می زند:/ مرده شور ریختت را ببرد/ چرا از خرمشهر سالم برگشتی؟! (اکسیر(ب)، ۱۳۸۷: ۱۹)

واضح است که شاعر با سه اصطلاح عامیانه مشخص شده در شعر فوق طنز انتقادی خود در مورد معضل بیکاری ابراز داشته است. ترکیبات محاوره ای که واجد طنز شده اند در اشعار دیگری با عناوین: **سردبیر شب، تاریخ تبری** و **تقاضا** به ترتیب در صص ۱۹، ۲۶ و ۳۹ در کتاب "زنبورهای عسل..." **مباحثه، یا کریم ها** و **اکبر کامو** صص ۷۳ و ۸۳ و ۸۴ کتاب "ملخ های ..." و **خواجه** و **مواد لازم** صص ۵۷ و ۶۱ از کتاب "مالاریا" یافت می شوند.

۴-۶- جا به جایی یا وارونه کردن نقش ها و موقعیت ها

از جمله روش های ایجاد مطایبه که برگسون در کتاب خود اشاره کرده است، جابه جایی نقش ها یا وارونه کردن است. به این ترتیب که در آن وظیفه شخصیت ها نقص و جا به جا شده، موقعیّت کاراکترها به یکدیگر واگذار می شود. وی معتقد است اگر چند شخصیت را در وضعیت خاصی در نظر بگیریم و کاری کنیم که این وضع دگرگون و نقش شخصیت ها جا به جا شود، صحنه خنده آوری خواهیم داشت. برای مثال وکیل دعاوی، نقشه ای را که برای فریب دادن قاضی کشیده است، برای موکّل خود شرح می دهد. موکّل او با استفاده از همان نقشه، حق الوکاله او را نمی پردازد. (برگسون، ۱۳۷۹: ۷۲) جا به جایی موقعیت یکی از مطرح ترین مکانیزم هایی است که طنز برخی از اشعار اکسیر را فراهم می نماید. اکسیر خود می گوید: «لحظه آفرینی و ترکیب سازی حایز اهمیت است. آوردن ترکیب های وارونه به شرط این که فضای زیباتری خلق کند. مثلاً: توپ پنجره را نشکند، پنجره توپ را بشکند!» (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

Arhive of SID

www.SID.ir

▪ **خانواده سبز**

پسرم را به سالمندان برده ام/ پدرم را به مهدکودک!/ خودم نیز همین گوشه موشه ها/
در یک کافه ادبی/ نشسته ام/ درست روی صندلی صادق هدایت/ و بوف کور می خوانم/
لطفاً سقوط را مراعات فرمایید! (اکسیر، ۱۳۸۹: ۷)

طنز شعر فوق با جابجایی مکان نگهداری کودک و سالمند به دور از خانواده یعنی مهدکودک و خانه سالمندان ایجاد شده است، ضمن اینکه با تلمیح به ماجرای مرگ صادق هدایت و به تبع آن جاگذاری واژه سقوط به جای سکوت با زبان مطایبه آمیز تلخ، دوری گزینی اعضای خانواده از یکدیگر و وجود شکاف میان آنها را بیان کرده است. همچنین عنوان مضحک شعر یعنی **خانواده سبز** در تناقض با محتوای آن، بر میزان طنز شعر افزونی بخشیده است.

▪ **یادش به خیـــر**

پدرم چوب را که بر می داشت/ ارّه از ترس دو نیم می شد/ پدر، زبان طنز را نمی فهمید... (اکسیر(الف)، ۱۳۸۷: ۲۱)

جا به جایی موقعیت در چوب و ارّه موجد طنز گشته است.

در شعر **"پیشواز"** (همان: ۸۲) با جابجایی نقش و موقعیت وسایط حمل و نقل طنزسازی نموده است: **بلیت اتوبوس** گرفته ام/ در **فرودگاه** منتظر **قطارم**/

سوت کشتی ها را می شنوم/این **قطار** کی، به **پرواز** در می آید؟ ...

از دیگر اشعار مطرح طنز که با جا به جایی نقش و وارونگی موقعیت خلق شده اند: عبارتند از: **گردنه حیران** ص ۱۷ کتاب "بفرمایید بنشینید..." **آگهی ها، سفارشات** و **سیسمونی** از کتاب "زنبورهای عسل..." مندرج در صص ۱۸، ۳۱، ۷۸ و " نشانه ها" ص ۳۰ کتاب "ملخ های...".

۵- نتیجه

اکبر اکسیر منتقد و شاعر طنزپرداز آستارایی در دهه هشتاد شاخه ای از شعر نو را به نام فرانو مطرح کرد که بارزترین مشخصه آن ضمن عاری بودن از وزن و قافیه، طنزآمیز بودن است. شعری که درصدد پاسخگویی به نیاز مخاطب تکنولوژی زده و ناشکیبای امروز آمده است و ایجاز، بن مایه اصلی آن است و دلیل اهمیّت این تکنیک بیانی، عنصر حاکم بر زمان یعنی سرعت است. طنز که از تأثیرگذارترین ژانرهای ادبی است، در اشعار اکسیر با بهره گیری غیر اجباری از آرایه های ادبی و سازوکارهای بیانی، به قصد انتقاد، اصلاح معایب و بیان معضلات جامعه ظاهر گشته است. به بیانی دیگر شاعر با رویکردی نوین به طنز می پردازد. زبان حاکم بر اشعار اکسیر ساده، روان و تا حدی محاوره ای است که بدین وسیله شعری چند لایه ای مطرح نموده که قابل پذیرش برای انواع مخاطب اعم از عام و خاص باشد. اکسیر برای خلق طنز خود آرایه های ادبی و شگردهای بدیع را به شیوه ای نامحسوس به

Arhive of SID

www.SID.ir

کار می گیرد و برای این منظور واژگان ساده و پرکاربرد در زبان محاوره را استخدام می کند. اما این انتخاب ساده با چنان هوشمندی و ظرافتی صورت می گیرد که جایگزینی لغت دیگری به بافت شعر آسیب می رساند و همین الفاظ ساده اند که آرایه ساز می گردند. این ویژگی موجب تازگی و جذابیت هرچه بیشتر شعر اکسیر برای انواع مخاطب می گردد. در پژوهش حاضر، طنز در اشعار اکسیر از دو دیدگاه بررسی گردیده است: ۱- طنز حاصل از شگردها و صنایع بدیع معنوی و لفظی چون: ایهام، مراعات نظیر، جناس، پارادوکس، کنایه و ... ۲ - طنز موقعیت که از مکانیزم هایی چون نقیضه به شعر، نثر و ضرب المثل، غافلگیری، تشبیه به حیوانات، انواع هنجارگریزی و نیز جا به جایی موقعیت یا وارونه سازی، که این شگردها و سازوکارها بیشترین بسامد را در ایجاد طنز اشعار اکسیر داشته اند. نکته قابل توجه دیگر در خصوص اشعار طنز اکسیر آن است که گاه طنز برخی از اشعار اکسیر حاصل اتحاد و تلفیق چند آرایه و تکنیک با هم است که بدین وسیله شاعر را ملون صنعت در شعر طنز معرفی می نماید.

منابع

- آرین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، از صبا تا نیما، ج دوم، چ هشتم، تهران: انتشارات زوّار.
- اخوّت، احمد، (۱۳۷۱)، نشانه شناسی مطایبه، چ اول، اصفهان: نشر فردا.
- استون، ایرونیگ، (۱۳۸۰)، شور زندگی، ترجمه محمدعلی اسلامی ندوشن، چ چهاردهم، تهران: انتشارات یزدان.
- اصلانی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، چ دوم، تهران: انتشارات یزدان.
- اکسیر، اکبر (الف)، (۱۳۸۷)، بفرمایید بنشینید صندلی عزیز، چ دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- اکسیر، اکبر (ب)، (۱۳۸۷)، پسته لال سکوت دندان شکن است، چ دوم، تهران: مروارید.
- اکسیر، اکبر (ج)، (۱۳۸۷)، زنبورهای عسل دیابت گرفته اند!، چ سوم، تهران: مروارید.
- . اکسیر، اکبر، (۱۳۸۹)، ملخ های حاصلخیز، چ اول، تهران: مروارید.
- اکسیر، اکبر، (۱۳۹۰)، مالاریا، چ اول، تهران: مروارید.
- اکسیر، اکبر، (۱۳۸۵)، «فرانو رود وحشی شعر امروز»، فصلنامه اشراق، ش ۳.
- انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، فرهنگنامه ادبی فارسی، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- برگسون، سیمون، (۱۳۷۹)، خنده، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر شباویز.
- پورنامداریان، تقی- طهرانی ثابت، ناهید، (۱۳۹۰)، «صنایع بدیعی در شعر نو»، سال اول، شمارهٔ اول، بهار و تابستان.
- ترکمن، فاضل، (۱۳۹۱)، «کافه لبخند/ من فکر می‌کنم، اما نیستم!»، مجلهٔ جهان کتاب، سال هفدهم، خرداد- مرداد، ش ۲۷۷-۲۷۹ .
- جمال‌زاده، سید محمدعلی، (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات عامیانه، چ دوم، تهران: انتشارات سخن.

Arhive of SID

www.SID.ir

- جوادی، حسن، (۱۳۸۴)، تاریخ طنز در ادب فارسی، چ اول، تهران: انتشارات کاروان.
- حسام پور، سعید - دهقانیان، جواد – خاوری، صدیقه، (۱۳۹۰)، «بررسی تکنیک های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی»، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان.
- حرّی، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، تاریخ طنز در ادب فارسی، چ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، تاریخ طنز و شوخ طبعی، تهران: بهبهانی.
- داد، سیما، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چ اول، تهران: انتشارات مروارید.
- راستگو، سیدمحمد، (۱۳۷۹)، ایهام در شعر فارسی، چ اول، تهران: انتشارات سروش.
- سیدحسینی، رضا، (۱۳۸۴)، مکتب های ادبی، ج ۲، چ چهاردهم، تهران: انتشارات نگاه.
- شریف‌پور، عنایت‌الله – قیصری، عبدالرضا، «بررسی مضامین طنز در خاطره نوشته‌های دفاع مقدس»، مجله ادبیات و پایداری، سال سوم، پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱.
- شفیقی، احسان، (۱۳۸۴)، «فرانو، گردنه ی حیرانی ی شعر امروز»، اردبیل: مجله بلم، ش ۶ و ۷.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، معانی، چ اول، تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، بیان، چ سوم، تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۰)، نگاهی تازه به بدیع، چ چهارم، تهران: نشر میترا.
- شیرازی، حافظ، (۱۳۷۷)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات شقایق.
- شیری، قهرمان، (۱۳۷۷)، «راز طنزآوری» مجموعه مقالات طنز، تهران: فصلنامه سنجش و پژوهش ۱۳ و ۱۴، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای.
- طاهری، قدرت...، (۱۳۸۲)، «بازیهای طنزآمیز زبانی ابوسعید در اسرارالتوحید»، فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- طالبیان، یحیی- تسلیم جهرمی، فاطمه، (۱۳۸۸)، «ویژگی های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتورها» (با تکیه بر کاریکلماتورهای پرویز شاپور)، مجلّه فنون ادبی (علمی- پژوهشی)، دانشگاه اصفهان، سال اول، ش ۱.
- غضنفری، محمد، (۱۳۸۸)، «پژوهشی در کاربرد آرایه های ادبی در طنز معاصر فارسی و مقایسهٔ اجمالی آنها در طنز انگلیسی»، جستارهای ادبی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق»، مجلّهٔ علمی- پژوهشی، شماره ۱۶۵، تابستان.
- کریچلی، سیمون، (۱۳۸۴)، در باب طنز، ترجمه سهیل سُمی، تهران: انتشارات ققنوس.
- کزّازی، سید جلال الدّین، (۱۳۸۹)، بدیع، چ هفتم، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
- موحد، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، «طنز و خلاقیت»، پژوهشهای ادبی، شماره ۲، پاییز و تابستان.
- هدایت، صادق، (بی تا)، بوف کور.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ اول، تهران: اهورا.

Archive of SID

www.SID.ir